

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

سال چهاردهم، شماره چهل و هشتم، پاییز ۱۳۹۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۰۸

تاریخ تصویب: ۱۳۹۸/۰۹/۱۳

صفحات: ۸۳ - ۱۰۵

نقش ساختار سیاسی ایران در سیاست‌گذاری فرهنگی در کتب

جامعه‌شناسی در آموزش و پرورش

عنایت الله موحدی

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، واحد جهرم، دانشگاه آزاد اسلامی، جهرم، ایران.

مجیدرضا کریمی*

عضو هیات علمی واحد جهرم، دانشگاه آزاد اسلامی، جهرم، ایران.

چکیده

یکی از اصلی‌ترین مسایل مهم یک کشور نقش ساختار سیاسی در امر سیاست‌گذاری فرهنگی می‌باشد. سیاست‌گذاری در امر کشورداری عبارت از تعیین، تدوین و ارائه ضوابط و موازینی است که در آن مقتضیات کلی دولت اعمال و مصالح جمعی ملت تأمین شود. آنچه در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است، نقش ساختار سیاسی ایران در سیاست‌گذاری فرهنگی است. در این بررسی کتاب‌های جامعه‌شناسی دوره متوسطه در آموزش و پرورش مورد بررسی قرار گرفته‌اند. برای ورود به بحث، ابتدا از منابع مطالعاتی مانند کتب، مقالات، منابع اینترنتی و... موضوع تحقیق مورد بررسی و تبیین قرار گرفت و پس از بررسی کتب جامعه‌شناسی مقطع متوسطه، شاخص‌ها و متغیرهای تحقیق استخراج گردید و براساس آن مدلی پیشنهاد و پرسش‌نامه‌ای استخراج شد. جهت اثبات مدل پیشنهادی از روش دلفی و نرم‌افزارهای لیزرل و اس.پی.اس.اس. استفاده گردید. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که به ترتیب قوای مقننه، مجریه و قضاییه در این امر دخالت دارند. در بین روش‌های سیاست‌گذاری فرهنگی، سیاست‌گذاری اهداف فرهنگی (سیاست‌گذاری هدف‌گرا) دارای بیشترین رتبه بوده و پس از آن، سیاست‌گذاری جهت رفع مشکلات و معضلات فرهنگی و در نهایت سیاست‌گذاری آینده‌نگر تأثیر گذارند. آزمون مدل معادلات ساختاری فرضیات تحقیق در حالت تخمین استاندارد و ضرایب معناداری رابطه معناداری و مثبت تمامی زیرمؤلفه‌ها با مؤلفه‌های مرتبط و ساختار سیاسی ایران اثبات گردید.

واژگان کلیدی: ساختار سیاسی، سیاست‌گذاری فرهنگی، جامعه‌شناسی، سیاست‌گذاری هدف‌گرا، مشکلات و معضلات فرهنگی، سیاست‌گذاری آینده‌نگر.

مقدمه

یکی از اصلی‌ترین مسایل مهم یک کشور نقش ساختار سیاسی در امر سیاست‌گذاری فرهنگی می‌باشد. سیاست‌گذاری در امر کشورداری عبارت از تعیین، تدوین و ارائه ضوابط و موازینی است که در آن مقتضیات کلی دولت اعمال و مصالح جمعی ملت تأمین شود. منظور از سیاست کلی دولت در درجه اول تثبیت حاکمیت، استقرار نظم و حفظ حدود و ثغور استقلال کشور و منظور از مصالح جمعی ملت بکارگیری سیاست‌های متنوع اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، صنعتی، خدماتی، کشاورزی، بهداشتی و غیره است تا در آن خواسته‌های مردم برآورده شود. سیاست‌گذاری از امور مدیریت سیاسی به شمار می‌رود که متکی به اصول مهم برنامه‌ریزی، سازماندهی، نظارت و کنترل است در اداره امور کشور در خطوط معرف نظام سیاسی و معمولاً پیش‌بینی شده در قوانین اساسی است: «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران و براساس اصول و ضوابط اسلامی است در این قانون، خطوط کلی سیاسی در وجوه و ابعاد مختلف پیش‌بینی شده است: محورهای سیاست عملی (اصل، آزادی و استقلال اصل ۹، سیاست خارجی (فصل دهم) و نظایر آن از جمله مواردی است که چارچوب کار زمامداران را مشخص نموده است. از سوی دیگر، دولت در جریان اجرا ناگزیر از تدوین سیاست‌های عملی متنوع و متناسب با زمان و مکان است. در نظام تفکیک قوا، تدوین سیاست‌ها از طریق طرح‌ها و لوایح (اصل ۷۴) با تصویب مجلس شورای اسلامی (اصل ۷۱) و اجرای آن‌ها به وسیله دستگاه‌های اجرائی کشور است. (اصل ۶۰) تعیین و اجرای سیاست (سیاست‌گذاری) متکی به سلسله تلاش‌هایی است که تنها با مشارکت و مساعی هماهنگ ارکان زمامداری و اجرا در مجموعه حاکمیت امکانپذیر خواهد بود و بنابراین، نمی‌توان آن را در عهده یک فرد یا مقام هر چند عالی تصور نمود. در نهایت، قوای عالی و نهادهای سیاسی کشور زیر رهبری است (اصل ۵۷) که بر طبق اصول قانون اساسی اعمال می‌گردد.

از جمله مسایلی که ریشه‌ای عمیق با انسانیت انسان دارد، فرهنگ است. فرهنگ هر مفهومی که داشته باشد واژه‌ای است که بیانگر تفاوت انسان‌ها از سایر موجودات و در همان حال جداکننده انسان‌ها از یکدیگر و به هم پیونددهنده آن‌ها است. زیرا از یک سو فرهنگ خاص گروهی از انسان‌ها، آن‌ها را از دیگر گروه‌ها متمایز می‌سازد و در عین حال در یک گروه، آن فرهنگ وجه اشتراک بین آن‌ها محسوب می‌شود. بر این اساس انسان‌ها از دولت‌ها انتظار آن را دارند که در این راه که به وجه اشتراک و افتراق آن‌ها منتهی می‌شود، آن‌ها را یاری رساند و اگر بحران یا مشکلی ایجاد شد به حل و فصل آن بپردازد و این‌جاست که سیاست‌گذاری فرهنگی که همان تلاش تصمیم‌گیران اجتماع برای تعیین الگوها و خط‌مشی‌های فرهنگی آن جامعه است، پدید می‌آید. از این رو شهروندان و دولت خواسته‌های خود از یکدیگر را به نقد و ارزیابی

_____ نقش ساختار سیاسی ایران در سیاست‌گذاری فرهنگی در کتب جامعه‌شناسی ۵

می‌کشاند (اکبری، ۱۳۹۵: ۲۵).

خطمشی‌گذاری فرهنگی بخصوص در بعد آموزش و پرورش در جامعه اسلامی ایرانی، علاوه بر آنکه باید برگرفته از آموزه‌های اسلامی باشد؛ باید متناسب با جامعه ایرانی و اقتضات بومی نیز باشد. از سوی دیگر، ایران مانند بسیاری از کشورهای دارای تنوع و گوناگونی‌های قومی زبانی، دینی- مذهبی و زیستی- جغرافیایی است که باید در سیاست‌گذاری فرهنگی به آن توجه کرد (شریفی و فاضلی، ۱۳۹۱: ۵۸).

سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران نیز تحت عنوان «اصول سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران» در سال ۱۳۷۱ تهیه و در ۱۳۷۱/۵/۲۰ به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید. مطابق این سند سیاست فرهنگی، سیاست انقلاب، اسلامی است و سیاست جمهوری اسلامی ایران منبعث از جهان‌بینی اسلامی است، این شورا مسئولیت نظارت بر سیاست‌گذاری و هدایت مدیریت فرهنگی کشور را نیز به خود اختصاص داده است. نهاد رسمی اجرای سیاست‌های فرهنگی کشور وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است.

قوانین برنامه‌های توسعه نیز از جمله اسناد دیگر در این زمینه قابل استناد هستند. در برنامه‌های پنجگانه توسعه سال‌های ۱۳۷۳-۱۳۶۸، ۱۳۷۸-۱۳۷۴، ۱۳۸۳-۱۳۷۹، ۱۳۸۴-۱۳۸۴، ۱۳۹۳-۱۳۸۹ برای بخش فرهنگ اهداف کیفی و کمی در نظر گرفته شده است با بررسی برنامه‌های توسعه می‌توان به این نکته پی برد که جایگاه و نقش دولت در اصول سیاست فرهنگی و برنامه‌های اولیه توسعه که تعیین شده بود، در برنامه‌های اخیر تغییر کرده و بویژه از برنامه چهارم توسعه به بعد به تدریج جایگاه انحصاری و مداخله‌گرایانه دولت به جایگاه حمایتی تغییر کرده است. آنچه که در این پژوهش به دنبال پاسخ به آن هستیم، این است که ساختار سیاسی ایران در سیاست‌گذاری فرهنگی چگونه است؟ مؤلفه‌های تأثیرگذار بر سیاست‌گذاری فرهنگی ایران چیست؟ سیاست‌گذاری فرهنگی در کتب جامعه‌شناسی مقطع متوسطه چگونه بیان گردیده‌اند؟ زیر مؤلفه‌های سیاست‌گذاری هدف‌گرا در سیاست‌گذاری فرهنگی ایران، زیر مؤلفه‌های سیاست‌گذاری جهت رفع مشکلات فرهنگی و زیرمؤلفه‌های سیاست‌گذاری آینده‌نگر در سیاست‌گذاری فرهنگی ایران مبتنی بر ساختار سیاسی ایران بر اساس مطالب ذکر شده در کتب جامعه‌شناسی مقطع متوسطه شامل چه مواردی می‌باشند؟ جهت تبیین موضوع، مطالعه‌ای با در نظر گرفتن این اهداف در کتب جامعه‌شناسی مقطع متوسطه انجام گردید و پس از استخراج موضوعات و شاخصه‌های مطرح شده، پرسش‌نامه اولیه‌ای طراحی و در اختیار ۱۵ نفر از خبرگان (اساتید دانشگاه در رشته‌های جامعه‌شناسی و علوم سیاسی) قرار گرفت و جهت تبیین شاخصه‌ها و مؤلفه‌ها و نهایی نمودن پرسش‌نامه در مرحله دوم از ۸۰ نفر از دانشجویان مقاطع مختلف رشته جامعه‌شناسی و معلمان دروس جامعه‌شناسی مقطع متوسطه استفاده گردید.

۱- ساختار سیاسی ایران

هر جامعه‌ای دارای نهادهای مخصوص به خود است که مسئول قانونگذاری، تصمیم‌گیری و اجرای آن در کشور می‌باشد. این نهادها همچنین مسئولیت تخصیص منابع در کشور را بر عهده دارند. به این نهادها ممکن است سازمان سیاسی یا ساختار سیاسی گفته شود و گاهی به آن حکومت نیز می‌گویند. حکومت که به مجموع قوای سه گانه هر کشور گفته می‌شود، احتیاجات مردم شامل حفظ سرزمین، استقلال رفاه اقتصادی، و ثبات سیاسی را در نظر گرفته و این ملزومات را سیاست‌های عمومی تبدیل کرده و آن‌ها را به سراسر جامعه تزریق می‌کند. به عبارت دیگر ساختار سیاسی، متشکل از مجموعه نقش‌هایی است که چگونگی توزیع قدرت در یک کشور را مشخص می‌کنند. ساختار سیاسی می‌گوید که چه کسی حق اعمال قدرت دارد و این حق از کجا بدست می‌آید. برخی ساختار سیاسی را اعم از حکومت می‌دانند. حکومت به فرآیندهای نهادی اشاره دارد که در مورد اداره کشور تصمیم‌گیری می‌کند. اما نظام یا ساختار سیاسی علاوه بر اینکه مکانیسم حکومت و نهادهای آن را در بر می‌گیرد، به چگونگی ارتباط آن‌ها با مجموعه‌ی گسترده‌تر جامعه و به ساختارها و فرآیندهایی که حکومت و نهادها باید با جامعه تعامل داشته باشند، اشاره می‌کند. بعضاً ساختار سیاسی را به عنوان زیرمجموعه‌ای از ساختار اجتماعی به حساب می‌آورند. ساختار اجتماعی به معنای ساختار گسترده است که زیر مجموعه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی در درون آن دارای تعامل دو جانبه هستند (جوهری، ۱۹۷۲: ۳).

ساختار سیاسی در درون ساختار اجتماعی، وظیفه توزیع قدرت، رفاه و منابع را در جامعه بر عهده دارد. به هر حال گرچه ساختار سیاسی خود را از ساختار اجتماعی تاثیر می‌پذیرد، اما این ساختار نیز بر ساختار اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی نیز تاثیرگذار می‌باشد. در تعریف نهایی باید گفت که ساختار سیاسی به معنای جدید، ساختاری است که چگونگی انتخاب قوای سه‌گانه قانونگذاری، اجرایی و قضایی، نوع وظایف و نحوه‌ی تعامل آن‌ها را مشخص کرده است. در نظام‌های مدرن ساختار سیاسی بیش از هر چیز در قانون اساسی تجلی یافته است. در واقع ساختار سیاسی دو وظیفه عمده دارد: یکی حفظ نظم و امنیت در جامعه از طریق اعمال قدرت مشروع و مورد قبول مردم و دیگری تامین نیازهای مادی و معنوی مردم. لذا ساختار سیاسی علاوه بر آنکه نحوه توزیع و اعمال قدرت را مشخص می‌کند برای تأمین نیازهای مادی و معنوی توانایی ترسیم چارچوب ساختارهای اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را نیز دارد. زیرا ساختار سیاسی از اختیار تصویب قانون و اجرای آن در همه امور جامعه برخوردار است. بنابراین نوع ساختار سیاسی بر ساختار فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی تاثیر می‌گذارد (آل‌غفور، ۱۳۷۵: ۲).

_____ نقش ساختار سیاسی ایران در سیاست‌گذاری فرهنگی در کتب جامعه‌شناسی ۵

در جمهوری اسلامی ایران ساختار سیاسی ملهم و متأثر از قانون اساسی بوده و جایگاه هر یک از عوامل و عناصر بنا بر تعریف آن‌ها در قانون اساسی مشخص گردیده است و در این اثنا رهبری با ترسیم الگوی رفتاری منجر به آن می‌شود که سایر اعضا بتوانند به وظایف خود بر محورهای تعریف شده ایفای نقش نمایند (لطفی‌نیا، ۱۳۹۴: ۲).

۲- سیاست‌گذاری فرهنگی

سیاست‌گذاری فرهنگی عبارت است از تعیین خط و مشی‌ها و راهبردهای کلان فرهنگی برای رسیدن به اهداف همکاری‌های فرهنگی، مشارکت فرهنگی، میراث فرهنگی و هویت فرهنگی که یونسکو با ارائه مفهوم توسعه فرهنگی آن را برای اولین بار مطرح کرد (همایون و جعفری، ۱۳۸۷: ۳۵). همچنین سیاست‌گذاری فرهنگی به اراده دولت در ایجاد یا تحکیم و یا تغییر مقررات و تنظیمات در عرصه فرهنگ معطوف است که چنین اراده‌ای می‌تواند سلبی یا ایجاد باشد (وحید، ۱۳۸۶: ۲۲۸). از دیدگاه علم سیاست‌گذاری سیاست فرهنگی مقوله‌ای است دارای اهمیت راهبردی که بر توسعه پایدار اثر می‌گذارد و در واقع بخش اساسی آن است (اشتریان، ۱۳۸۱: ۱۰).

سیاست‌گذاری فرهنگی دولت در دو سطح قابل توجه است، سطح اول که به آن «سیاست فرهنگی»^۱ می‌گویند؛ به طور عام بر ارزش‌ها و اصولی اطلاق می‌شود که انسان‌ها را در مسائل فرهنگی هدایت و راهنمایی می‌کند. در حقیقت این سیاست‌ها اصول کلی درباره اهداف اصلی و غایی در حوزه فرهنگ را ارائه می‌دهند. دوم سطح خط‌مشی‌های فرهنگی «فرهنگ سیاسی»^۲ است. این خط و مشی‌ها عینی‌تر بوده تدابیر و راهکارهای اجرایی را در اختیار دست‌اندرکاران قرار می‌دهد که تصمیمات و اقدامات آنان بر زندگی مردم تأثیرگذار است (ذکایی، شفيعی و سادات، ۱۳۸۹: ۹۱-۹۲).

سرمشق سیاست‌گذاری فرهنگی را می‌توان در دو سرمشق کلی خلاصه کرد: سرمشق آرمانشهر و سرمشق سیاست‌گذاری فرهنگی (آزاد ارمکی و منوری، ۱۳۸۹: ۶۶). در جدول زیر سرمشق، آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی مرتبط آورده شده است:

۱. Cultural Politics

۲. Cultural Policy

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و هشتم، پاییز ۱۳۹۸ ———

جدول ۱: سرمشق، آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی مرتبط

سرمشق	آرمان‌گرا	واقع‌گرا
مبنای نظری	حکومت عهده‌دار پیاده کردن آرمان‌ها و پالودن حوزه فرهنگ عمومی است	حکومت مسئول در نظر گرفتن واقعیات و تکثر موجود در فضای فرهنگی و اجتماعی است
معیار	تعبیر ایدئولوژیک از آرمان‌ها	خواسته‌ها و تمایلات اقشار مختلف
منبع	ایدئولوژی	مصلحت‌اندیشی معطوف به مساله
روش‌شناسی	عقل‌گرایی فراگیر مبتنی بر ارزش‌ها	تحلیل هزینه-فایده، تجزیه و تحلیل عینی مشکلات
تمایزگذاری	بر مبنای حدود و ارزش‌ها	بر مبنای اجتماعی بودن
زبان	واژگان و مفاهیم از پیش تعیین شده	اصول عقلانی و اجتماعی
محدوده عمل	فراگیر حتی شاید در حوزه خصوصی	گزینش تجربی مواضع مناسب، روابط بین فردی
هدف	سعادت انسان‌ها	مصالح فردی و جمعی
روش عمل	اقدام در سطح جامعه به‌عنوان یک کل	آزمون و خطا و تجربه مداوم
راه درونی کردن	گردن نهادن به حدود و اوامر	عقل و محاسبه
ابزار اجرا	تبلیغ و هدایت و در صورت لزوم اجبار	تبلیغات و قوانین

در کنار این دو سرمشق می‌توان از سرمشق توسعه‌گرایی نیز نام برد. بدین ترتیب که حکومت خود را مسؤول توسعه اقتصادی و اجتماعی دانسته و با تکیه بر منبع مصلحت‌اندیشی متخصصان امور و تبلیغات مناسب با توسعه کشور، فرهنگ توسعه را در میان مردم نهادینه کند (آزاد ارمکی و منوری، ۱۳۸۹: ۶۷).

۳- آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری فرهنگی

آسیب‌شناسی از این جهت حائز اهمیت می‌باشد که آسیب می‌تواند به بحران منجر شود و بحران نیز همانگونه که هابرماس اشاره می‌کند حاکی از بی‌کارکرد شدن نظام است یعنی بازماندن از تولید آنچه که باید در اختیار سایر نهادها قرار دهد (رضایی، ۱۳۸۷: ۷۸). آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری فرهنگی را می‌توان در سه قسمت شکل‌گیری، اجرا و ارزیابی طبقه‌بندی نمود که به برخی اشاره می‌شود:

۳-۱- آسیب‌های نظری و مطالعاتی

۱) فقدان جایگاه پژوهش در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی: جایگاه تحقیقات در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی معلوم نیست لذا عمدتاً بدون ارتباط با پژوهش‌ها شکل گرفته و یا تغییر می‌کنند حتی

_____ نقش ساختار سیاسی ایران در سیاستگذاری فرهنگی در کتب جامعه‌شناسی ۵

در مورد پژوهش‌های صورت گرفته نیز نحوه‌گزینش، روش‌سنجش و قابلیت‌تعمیم‌تحلیل‌ها و نتایج آن‌ها مشخص نمی‌باشد و سلیقه‌ای صورت می‌گیرد. لذا ضروری است اولاً بهره‌جستن از پژوهش‌ها در برنامه‌ریزی‌ها از شکلی سلیقه‌ای به الگویی مشخص و ضابطه‌ای کلی تبدیل شود و ثانیاً مرکزی مسئولیت بررسی پژوهش‌ها، روش‌های بکار رفته و قابلیت‌تعمیم‌نتایجشان را بررسی و به شکلی تلفیقی در برنامه‌ریزی‌ها و اصلاحات آن‌ها اعمال نماید (مشبکی و خادم، ۱۳۸۷: ۱۴۳-۱۴۱).

۲) عدم بهره‌گیری از فرا تحلیل‌ها در برنامه‌ریزی‌های اجتماعی و فرهنگی: پژوهش‌های حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی در کشور زمانی به عنوان یک مؤلفه تأثیرگذار در سیاست‌گذاری به کار گرفته می‌شود که در قالب فرا تحلیل با یکدیگر در ارتباط باشند یعنی نقاط انفصال و اتصال پژوهش‌ها معین گردد و با الحاق آن‌ها به یکدیگر بتوان به نتایجی دست یافت که قابل استناد در برنامه‌ریزی‌ها می‌باشد. لذا ضروری است کمیته یا مرکزی با سه بعد آموزشی، پژوهشی و برنامه‌ریزی با هم کار کرده و نتایج حاصله را در انواع برنامه‌ریزی‌ها منعکس دهند (احمدی علی‌آبادی، ۱۳۸۷: ۲).

۳-۲- عدم توجه کافی به مدیریت تنوع قومی

تنوع قومی - محلی یا موزاییکی بودن پهنه فرهنگ ایرانی را نبایستی به عنوان یک مانع توسعه کشور و فرهنگ ملی تلقی کرد بلکه می‌توان آن را به عنوان یک ابزار مفید برای توسعه و تقویت فرهنگی ملی محسوب کرد چرا که فرهنگ ملی رشد و غنای خود را مدیون خرده فرهنگ‌های خود می‌داند (خداحسینی و دیگران، ۱۳۸۹: ۴۵-۴۴).

۳-۳- اقدامات موازی سازمان‌های فرهنگی

بسیاری از این سازمان‌های فرهنگی در وظایف یکدیگر مداخله می‌کنند و این مداخلات به سمت و سوی خودکاهندگی پیش می‌رود و نهایتاً میزان بهره‌وری را به سمت صفر سوق می‌دهد (صالحی‌امیری، ۱۳۸۶: ۷). بعد از پیروزی انقلاب به لحاظ مصلحت‌های زمانی و عوارض خاص ناشی از استقرار یک انقلاب و نبود مکانیزم‌های کنترل‌کننده ناشی از نفوذ مراکز قدرت در جامعه سال‌های اولیه انقلاب پدیده‌ای به نام «دستگاه‌های موازی» متولد شدند که متعاقب آن موضوع عملیات موازی نیز به تدریج در درون تشکیلات فرهنگی پا به عرصه گذاشت (طلوعی و داودی، ۱۳۸۸: ۱۱۳-۱۱۲).

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و هشتم، پاییز ۱۳۹۸ ———

۳-۴- فقدان نظام منسجم و یکپارچه آمارهای فرهنگی

تحقق اهداف سیاست‌های کلان فرهنگی کشور مستلزم ارزیابی و سنجش فعالیت‌های فرهنگی و عملکرد سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با آن است. این امر مهم بدون یک نظام منسجم و یکپارچه آمارهای فرهنگی کشور جهت هماهنگی و هدایت فعالیت‌ها و برنامه‌های تمام نهادها و مراکز دست اندرکار میسر نخواهد بود. در ایران داده‌های موجود در خصوص فرهنگ و فراغت توسط مرکز آمار و سایر دستگاه‌های اجرایی گردآوری می‌شوند بایستی اطلاعات تمام منابع مذکور باید قابل مقایسه و مکمل یکدیگر باشند. یکسان نبودن تعاریف آماری عاملی جهت ناهماهنگی آمارهاست لذا استفاده از آمار و اطلاعات در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی زمانی میسر است که داده‌ها در قالب نظامی منسجم طبقه‌بندی شوند (بختیاری و دیگران ۱۳۹۱: ۸۱-۷۹).

۳-۵- خلط اهداف کلان با سیاست‌ها (هدف‌گذاری یا سیاست‌گذاری)

دو برداشت متفاوت از سیاست وجود دارد. در یک برداشت سیاست عبارت است از اهداف کلان یک دستگاه اجرایی که بایستی به مجموعه‌ای از اهداف عینی و مشخص تبدیل شود. برداشت دوم شامل تدوین راه‌حل عملی برای حل مشکل خاص اجتماعی یا برای نیل به هدفی ویژه. این راه‌حل عملی می‌تواند برای برنامه‌ریزی دستگاه اجرایی مبنا قرار گیرد. با توجه به این دو برداشت در صورت عدم تفکیک دستگاه‌های سیاست‌گذاری دچار معضلاتی می‌شوند. نخستین معضلی که پیش می‌آید اینست که سیاست‌گذاران اهداف آرمانی خود را در قالب جملاتی ابراز می‌کند و آن را سیاست (به معنای برنامه عمل) می‌پندارند. مثلاً دستیابی به کمال مطلوب انسانیت. سیاست‌گذاری در این چارچوب عقیم بوده و می‌توان آن را هدف‌گذاری نامید نه سیاست‌گذاری. (مشبکی و خادمی، ۱۳۸۷: ۱۵۵-۱۵۴).

۳-۶- محوریت اصول سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

این اصول مصوب سال ۱۳۷۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی با محوریت تصدی‌گری دولت به خوبی قابل مشاهده است. بنابراین دیدگاه تدوین‌کنندگان اصول سیاست فرهنگی نگاهی از بالا به پایین و نگاه دولتی به تمامی عرصه‌های فرهنگی کشور است.

۳-۷- سیاست‌گذاری فرهنگی مطلوب

از دیدگاه محقق برای داشتن سیاست‌گذاری‌های فرهنگی مطلوب بایستی نکات ذیل مورد توجه جدی قرار گیرند:

_____ نقش ساختار سیاسی ایران در سیاست‌گذاری فرهنگی در کتب جامعه‌شناسی ۵

۱. نهادینه کردن نهادهای جامعه مدنی از جمله احزاب سیاسی و اعتماد نمودن به بخش‌های خصوصی جامعه.

۲. بایستی نگاه تصدی‌گرایانه دولت به سمت نظارت تغییر پیدا کند چرا که در بسیاری از عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی که دولت به طور مستقیم ورود پیدا نموده نه تنها اوضاع بهبود پیدا نکرده بلکه به سمت وخامت نیز سوق یافته است.

۳. عصر حاضر عصر ارتباطات بین‌المللی و منطقه‌ای است و کشورهای اسلامی و بویژه مسلمان منطقه از پتانسیل‌های خوبی برخوردار هستند همانطوری که در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و سیاسی باید واقعیت‌ها و همکاری‌های بین‌المللی مدنظر قرار گیرند بایستی در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی نیز واقعیت‌های بین‌المللی که از جمله آن‌ها همکاری‌های بین‌المللی و منطقه‌ای است نیز مدنظر قرار گیرد. لذا از آنجایی که فرهنگ ما با فرهنگ بسیاری از کشورهای منطقه دارای نقاط اشتراک زیادی هست می‌توان در سایه همکاری‌های منطقه‌ای و حتی فرامنطقه‌ای اقدام به تشکیل و تأسیس نهادهای منطقه‌ای یا بین‌المللی با عضویت فعال کشورهای اسلامی همچون نهادهای بین‌المللی دیگر با هدف همکاری در زمینه تدوین سیاست‌گذاری‌های مشترک فرهنگی اقدام نمود این مساله ضمن ایجاد یک جبهه فرهنگی قوی و واحد در برابر برخی از آثار فرهنگی پدیده جهانی شدن می‌تواند در آینده کشورهای عضو را به یک قطب فرهنگی تبدیل نماید. لذا جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با حفظ اصول و آرمان‌های انقلاب اسلامی و با استفاده از تجربیات کشورهای اسلامی موفق مثل برخی از کشورهای شرق آسیا تعامل و همکاری سازنده‌ای در راستای مرتفع نمودن برخی از مشکلات خود در حوزه سیاست‌گذاری فرهنگی داشته باشد (مقتدایی و ازغندی، ۱۳۹۵: ۲۲).

۴- تاریخچه سیاست‌گذاری در آموزش و پرورش

آموزش در ایران را می‌توان به سه دوره پیش از ظهور اسلام، بعد از ظهور اسلام و دوران معاصر تقسیم نمود (نیاز آذری و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۱۶). تاپیش از پیدایش علم سیاست‌گذاری، مطالعات سیاسی به تمرکز در زمینه‌های هنجاری و اخلاقی دولت و نهادهای سیاسی محدود شده بود. پژوهشگران با مطالعه آثار سیاسی بزرگان فلسفه ی غرب در جستجوی شناخت اهداف دولت و وظایف در هدایت شهروندان به زندگی بهتر بودند. این پژوهش‌ها به توسعه و تکمیل مباحثی چون طبیعت جامعه، نقش دولت، حقوق و مسؤولیت‌های شهروندان و دولت‌ها منتهی شد. گرچه پیدایش این علم، ریشه در آثار هارولد لوسول^۱ و همکارانش در اوایل دهه‌ی

۱. Harold Laswel

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و هشتم، پاییز ۱۳۹۸

پنجاه میلادی دارد، اما نهادینه شدن و گسترش این رشته در اواسط دهه‌ی ۶۰ آغاز شد. از این رو به دلیل شکاف فزاینده میان نظریه و عمل در رفتار سیاسی در علم سنتی سیاست بود که بسیاری از اندیشمندان را بر آن داشت تا برای بررسی سیاست‌ها به جستجوی روش‌های دیگری بپردازند (نادری و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۹). تغییر در سیاست‌های آموزشی و پرورشی، نخستین بار مورد توجه میشل فوکو قرار گرفت. در اثر مهم وی با عنوان «مراقبت و تنبیه» دیرینه‌شناسی فوکو از آموزش و پرورش وی را رهنمون به این امر نمود که گسترش دموکراسی مرهون دموکراتیک شدن آموزش و پرورش است. وی با مثال‌های متعدد خویش این مسأله را بررسی می‌نماید. اما از آنجا که فوکو در اوایل آغاز دوره جهانی شدن چشم از جهان فرو بست، نتوانست آنچه در تغییر سیاست‌های آموزش و پرورش به واسطه توسعه جهانی شدن در تمامی حوزه‌ها رخ می‌دهد را درک نماید (جهانیان و محجوبی، ۱۳۸۱: ۱۹۰). در ایران نیز نهادهای سیاست‌گذاری در نظام آموزشی به ترتیب عبارت بودند از:

۱. شورای عالی انقلاب فرهنگی که به عنوان بالاترین مرجع سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی آموزش عالی کشور انجام وظیفه می‌کرد.

۲. وزارت فرهنگ و آموزش عالی ایران (علوم، تحقیقات و فناوری) که برای بررسی و ارائه هدف‌های اساسی و خط‌مشی‌های کلی و برنامه‌ریزی در همه سطوح آموزشی و پژوهش‌های علمی و ایجاد هماهنگی میان آن‌ها تشکیل شد.

۳. دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی و پژوهشی که زیر نظر هیأت امنای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی تشکیل می‌شوند.

۴. شورای عالی آموزش و پرورش که مرجع سیاست‌گذاری در حوزه وظایف آموزش عمومی و متوسطه در چارچوب سیاست‌های کلی نظام و قوانین و مقررات موضوعه است و سازمان اداری آن با بودجه و تشکیلات مستقل زیر نظر شورای عالی آموزش و پرورش فعالیت می‌کند. ریاست این شورا با ریاست جمهور است و در غیاب وی وزیر آموزش و پرورش ریاست آن را بر عهده خواهد داشت (اکبری و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۷۳).

۵- بررسی موضوع سیاست‌گذاری فرهنگی در کتب جامعه‌شناسی متوسطه

در حوزه سیاست‌گذاری فرهنگی ابتدا لازم است تعریف فرهنگ را از منظر کتاب جامعه‌شناسی (۱) مورد بررسی قرار دهیم. براساس تعریف، به مجموعه شناخت مشترکی که جهان اجتماعی براساس آن شکل می‌گیرد، فرهنگ گفته می‌شود. فرهنگ از طریق صفات ارثی از یک نسل به نسل دیگر منتقل نمی‌شود؛ بلکه به وسیله آموزش، تعلیم و تربیت، انتقال پیدا می‌کند. در جهان اجتماعی، فرهنگ و تمدن مناسب خود را به وجود می‌آورد. ب اساس این دیدگاه،

_____ نقش ساختار سیاسی ایران در سیاستگذاری فرهنگی در کتب جامعه‌شناسی ۵

جهان‌های اجتماعی مختلف در عرض یکدیگرند نه در طول هم. فرهنگ‌ها و تمدن‌ها براساس آرمان‌ها و ارزش‌های خود، تحولاتی را دنبال می‌کنند و مقاطع مختلفی را می‌پیمایند. مسیر این تحولات یکسان نیست؛ برخی از آن‌ها زمانی دراز تداوم پیدا می‌کنند و بعضی دیگر پس از مدتی از بین می‌روند.

جوامعی که متعلق به فرهنگ‌های مختلف هستند، با روابط متقابلی که دارند می‌توانند از تجربیات یکدیگر استفاده کنند؛ اما هیچ یک از آن‌ها با حفظ هویت خود نمی‌تواند مسیر فرهنگ دیگر را ادامه دهد. فرهنگ سالم و فعال همانند موجود زنده با جهان اطراف خود برخورد می‌کند. چنین فرهنگی مطابق با نیاز خود بخش‌هایی از فرهنگ‌های دیگر را انتخاب می‌کند؛ و در صورتی که لازم باشد تغییراتی را در آن‌ها به وجود می‌آورد و سپس از آن‌ها استفاده می‌کند. مردم‌شناسان از فرهنگ‌ها و تمدن‌های متفاوتی که در عرض یکدیگر قرار دارند یاد کرده‌اند، مثل فرهنگ‌ها و تمدن‌های غرب، اسلام، چین و هند.

از جمله تقسیماتی که دربارهٔ جهان‌های اجتماعی براساس نوع فرهنگ و اعتقادات آن‌ها می‌توان انجام داد، تقسیم به دو جهان دنیوی و معنوی است. فرهنگ دنیوی را «فرهنگ سکولار» نیز می‌گویند و مراد از آن، فرهنگی است که عقاید، آرمان‌ها و ارزش‌های آن مربوط به این جهان است. در این فرهنگ، جهان دیگر انکار می‌شود و یا در محدودهٔ منافی که برای خواسته‌های این جهانی بشر دارد، پذیرفته می‌شود. جامعهٔ سکولار همهٔ ظرفیت‌ها و استعداد‌های انسان را در خدمت این جهان به کار می‌گیرد و ظرفیت‌ها و خواسته‌های معنوی انسان‌ها را به فراموشی می‌سپارد.

فرهنگ معنوی، جغرافیای هستی را فراتر از جغرافیای طبیعت می‌بیند و زندگی این جهان را در سایهٔ حیات زندگی برتر، مقدس و متعالی می‌گرداند. انسان در این فرهنگ از محدودهٔ مرزهای این جهان عبور کرده، چهره‌ای آسمانی و ملکوتی پیدا می‌کند. جامعهٔ سکولار و دنیوی انواع مختلفی دارد. غرب بعد از رنسانس با همهٔ جوامع متفاوتی که در آن پدید آمده است، هویت سکولار و دنیوی دارد.

جامعهٔ مقدس و معنوی را به دو صورت توحیدی و اساطیری می‌توان تقسیم کرد. فرهنگ اسلام و فرهنگ انبیای الهی تفسیر توحیدی و الهی از انسان ارائه می‌دهند، اما فرهنگ اساطیری که به خداوندگان و قدرت‌های فوق طبیعی قائل است، محصول انحراف بشر از فرهنگ توحیدی و خروج انسان از جهانی است که به فطرت و آفرینش او متعلق است. جهان‌های اجتماعی بشر را براساس صادق یا کاذب بودن عقاید، ارزش‌ها و آرمان‌های آن‌ها، می‌توان به دو نوع حق و باطل تقسیم کرد؛ چنانکه قرآن کریم حرکت‌های اجتماعی بشر را به دو جریان حق و باطل تقسیم می‌کند.

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و هشتم، پاییز ۱۳۹۸ ———
در کتاب جامعه‌شناسی (۲) به موضوع فرهنگ توجه بیشتری شده است. در فصل اول این کتاب به رابطه جامعه و فرهنگ پرداخته شده و تعامل گستره جهان اجتماعی و نظام اجتماعی با فرهنگ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در فصل دوم، موضوع هویت و فرهنگ بررسی شده است و پس از تعریف هویت و بیان مفاهیم مرتبط با هویت، تغییرات هویتی و تحولات اجتماعی، تحولات هویتی فرهنگ، از خود بیگانگی فرهنگی در جامعه ایران مورد ارزیابی قرار گرفته است. در فصل سوم نیز به بررسی موضوع قدرت و سیاست پرداخته شده و مفاهیمی مانند قدرت و اقتدار، نظام سیاسی و انواع نظام سیاسی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. آنچه در این فصل کتاب بیان گردیده است، می‌تواند زیربنای اصلی این تحقیق به شمار رود.

فرهنگ و جامعه نمی‌توانند جدا از یکدیگر باشند. جامعه، بدون فرهنگ وجود ندارد و فرهنگ نیز بدون جامعه پدید نمی‌آید. جامعه و فرهنگ را می‌توان به جسم و جان یک موجود زنده تشبیه کرد. جامعه در حکم جسم و کالبد و فرهنگ در حکم جان و روح است. جوامع مختلف شیوه‌های متفاوتی برای زندگی دارند و دلیل تفاوت آن‌ها این است که فرهنگ پدیده‌ای آموختنی است و از راه آموزش و تربیت از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. به همین دلیل فرهنگ را آگاهی و شناخت مشترک نیز می‌نامند.

آن بخش از فرهنگ که همه مردم یک جامعه در آن اشتراک دارند، فرهنگ عمومی آن جامعه را تشکیل می‌دهد و بخش‌هایی که مربوط به قوم، قشر، صنف و گروه‌های خاص است، خرده فرهنگ نامیده می‌شود. خرده فرهنگ‌هایی که درون یک فرهنگ عمومی قرار دارند اغلب با فرهنگ عمومی سازگار هستند. در مواردی ممکن است عقاید، ارزش‌ها، قواعد، هنجارها و مهارت‌های درون یک خرده فرهنگ، مخالف با ارزش‌ها، عقاید، قواعد و هنجارهای فرهنگ عمومی باشد، در این صورت این خرده فرهنگ را ضدفرهنگ می‌نامند.

با آن که نهادهای اجتماعی ابعاد فرهنگی دارند، ولی همه آنها نهاد فرهنگی نیستند. نهاد فرهنگی نهادی است که از طریق تعلیم و تربیت به فعالیت‌های فرهنگی می‌پردازد، فرهنگ را تولید می‌کند و استمرار می‌دهد؛ یا به آن عمق و غنا می‌بخشد؛ مانند: خانواده، رسانه، آموزش و پرورش و آموزش عالی. از آنجا که بخش قابل توجهی از فرهنگ عمومی در خانواده به فرزندان منتقل می‌شود، خانواده را می‌توان یک نهاد فرهنگی دانست. رسانه‌های عمومی و آموزش و پرورش نیز در انتقال فرهنگ عمومی نقش دارند. آموزش عالی بیشتر خرده فرهنگ‌های سایر نهادهای اجتماعی را تأمین می‌کند. یعنی آموزش عالی، دانش تخصصی مورد نیاز سایر نهادها را فراهم می‌آورد.

برنامه‌ریزان فرهنگی جامعه تلاش می‌کنند از طریق نهادهای فرهنگی، تعلیم و تربیت لازم را برای ورود فرهنگ آرمانی به عرصه فرهنگ واقعی فراهم آورند. آن‌ها کوشش می‌کنند

_____ نقش ساختار سیاسی ایران در سیاستگذاری فرهنگی در کتب جامعه‌شناسی ۵

بخشی از فرهنگ آرمانی را که خارج از فرهنگ واقعی است به قلمرو فرهنگ واقعی وارد نمایند.

بخش‌هایی از فرهنگ که از نظر علمی قابل دفاع نباشد و براساس خرافات شکل گرفته باشد، باطل و بخش‌هایی که از نظر علمی صحیح و مطابق فطرت انسان باشد، حق است. عقیده به توحید و ارزش‌های توحیدی، وفای به عهد، تحمل دیگران و مدارای با کسانی که از شناخت حقیقت محروم مانده‌اند، حمایت از مستضعفان و مظلومان، دفاع از عدالت و حقوق ضروری انسان‌ها از جمله عقاید و ارزش‌های حق‌اند. ظلم و بی‌عدالتی و تجاوز به حقوق دیگران، شرک و دنیاپرستی و... از جمله عقاید و ارزش‌های باطل هستند.

حق و باطل بودن هر بخش از فرهنگ، با علم متناسب با همان بخش شناخته می‌شود. یعنی علوم تجربی توان داورى دربارهٔ تکنیک‌ها و روش‌های اجرایی را دارند. مثلاً درست یا نادرست بودن شیوهٔ مداوای بیماران را با روش‌های تجربی می‌توان شناخت. حق و باطل بودن ارزش‌ها و عقاید کلان دربارهٔ انسان و جهان را با روش‌ها و علوم تجربی نمی‌توان شناخت. عقل و وحی، دو ابزار مهم برای شناخت عقاید و ارزش‌ها هستند. جوامعی که علم را محدود به دانش تجربی و آزمون‌پذیر می‌دانند و عقل و وحی را به عنوان دو وسیلهٔ معرفت علمی معتبر نمی‌دانند، نمی‌توانند از حق یا باطل بودن عقاید و ارزش‌ها سخن بگویند.

از نظر آنان ارزش‌ها و عقاید اجتماعی پدیده‌های صرفاً تاریخی هستند که در فرهنگ آرمانی یا واقعی جوامع انسانی پدید می‌آیند و تنها می‌توان بودن یا نبودن این ارزش‌ها و پیامدهای اجتماعی و تاریخی آن‌ها را شناخت و برای داورى دربارهٔ درست و غلط بودن یا حق و باطل بودن آن‌ها راهی وجود ندارد. علوم اجتماعی اگر علم را به معنای تجربی آن محدود نکنند، می‌توانند دربارهٔ حق یا باطل بودن فرهنگ‌های مختلف نیز داورى کنند.

۵-۱- نقش ساختار سیاسی ایران در اجرای قوانین و سیاست‌های فرهنگی

مدون شده

هر نظام اجتماعی به تناسب هویت و فرهنگ خود، آرمان‌ها و ارزش‌های ویژه‌ای دارد و هیچ نظامی نمی‌تواند بدون سیاستی مناسب به ارزش‌ها و آرمان‌های خود دست یابد. مجموعهٔ سازوکارهایی که در نظام اجتماعی برای اعمال سیاست‌های آن وجود دارد، نظام سیاسی را شکل می‌دهد.

سازوکارهای سیاسی بدون عوامل اجراکنندهٔ آن، تحقق پیدا نمی‌کنند. حکومت، مجموعه عواملی هستند که سیاست‌های مربوط به کل جامعه را پیش می‌برند. حکومت از طریق مراحل

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و هشتم، پاییز ۱۳۹۸ ———
سه گانه زیر، سیاست‌های نظام را اعمال می‌کند: (۱) وضع قوانین؛ (۲) اجرای قوانین و (۳) نظارت بر اجرای قوانین.

سه قوه مقننه، مجریه و قضائیه عهده‌دار وظایف سه‌گانه حکومت هستند. با گستردگی حکومت، این سه قوه نیز از یکدیگر تفکیک پیدا می‌کنند. در یک جهان اجتماعی، نظام سیاسی نمی‌تواند مستقل از نظام‌های اجتماعی دیگر باشد؛ بلکه در تعامل با آن‌ها قرار می‌گیرد. نظام سیاسی، هم بر نظام فرهنگی و اقتصادی اثر می‌گذارد و هم از آن‌ها تأثیر می‌پذیرد.

۶- روش پژوهش

این تحقیق در دو مرحله اکتشافی- تحلیلی انجام گرفته است. در بخش اول از تکنیک دلفی استفاده گردید، به منظور دستیابی به مؤلفه‌های مؤثر بر ساختار سیاسی ایران براساس نظام سیاسی- اسلامی ایران نخست از عقاید و آرای متخصصان و کارشناسان این رشته در مورد اهمیت ویژگی‌ها و مؤلفه‌های اصلی ساختار سیاسی ایران و نقش آن در سیاست‌گذاری فرهنگی آگاهی یافتیم. برای دستیابی به این مهم، ضمن بررسی کتاب‌ها و مقالات متعدد داخلی و خارجی و مصاحبه با خبرگان حوزه و دانشگاه و نیز بهره‌گیری از کتب جامعه‌شناسی مقطع متوسطه (۱، ۲ و ۳)، مهمترین مؤلفه‌های مطرح شده که بیشترین فراوانی و تاکید را از سوی کارشناسان داشتند، جمع‌آوری شده و از میان متغیر مؤلفه‌های که در تحقیقات مد نظر قرار گرفته بود، فهرستی از مرتبط‌ترین و شناخته شده‌ترین مؤلفه‌های این حوزه تهیه شد. در نهایت پرسشنامه تحقیق آماده شده و پس از اخذ روایی و تعیین پایایی در میان جامعه آماری تحقیق توزیع شد. در بخش کمی نیز نوع مطالعه، توصیفی و به روش پیمایشی است و اطلاعات حاصل از پرسشنامه‌های تکمیل شده مورد تجزیه و تحلیل‌های آماری قرار گرفت. به منظور سنجش پایایی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شده که حاکی از پایایی مطلوب پرسش‌نامه و سطح بالای همخوانی سؤالات به لحاظ پایا بودن با هر یک از متغیرهای تحقیق است. به منظور بررسی روایی پرسش‌نامه از روش روایی محتوایی و برای اظهارنظر در خصوص پرسش‌نامه طراحی شده اولیه، با تعدادی از اساتید رشته‌های جامعه‌شناسی و علوم سیاسی مصاحبه شد و پس از لحاظ نمودن نظرها و انجام تعدیلات لازم، پرسش‌نامه نهایی طراحی شد. پس از بررسی پاسخ پرسش‌نامه توسط دانشجویان و معلمان، نتایج مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار لیزرل برای مدل‌سازی و شناسایی معیارهای نیکویی برازش و از نرم‌افزار SPSS برای تحلیل عاملی اکتشافی و به منظور استخراج عامل‌ها و به دست آوردن برآورد بارهای عاملی استفاده شد. سپس با استفاده از روش تحلیل مسیری، ضمن بررسی تاثیرات مستقیم و غیرمستقیم عوامل، همبستگی معنی‌دار میان متغیرها

_____ نقش ساختار سیاسی ایران در سیاستگذاری فرهنگی در کتب جامعه‌شناسی ۵

در مدل بررسی شد و با استفاده از معادلات ساختاری و فرضیه‌های منتج از هر یک و مقایسه عوامل مستقل و وابسته در مدل و تناسب آن با داده‌ها و نظرهای گروه‌های چهارگانه، مدل سه عاملی نهایی بررسی شد.

جامعه آماری تحقیق حاضر در مرحله اول ۲۰ نفر از اساتید حوزه و دانشگاه و صاحب‌نظران با تجربه در زمینه جامعه‌شناسی و علوم سیاسی را تشکیل می‌دهد. جامعه آماری در مرحله اول خبرگان و متخصصین حوزه و دانشگاه می‌باشند که با استفاده از روش نمونه‌گیری گلوله برفی (غیرتصادفی) برای دستیابی به مدل اولیه و در مرحله دوم معلمان و دبیران درس جامعه‌شناسی مقطع متوسطه و دانشجویان (دکتری، کارشناسی ارشد و کارشناسی) در رشته جامعه‌شناسی دانشگاه‌های شیراز به تعداد ۱۶۵ نفر که تعداد ۸۰ نفر بصورت نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب و پرسش‌نامه‌ها را تکمیل نمودند.

به منظور انجام نمونه‌گیری در مرحله نخست پژوهش انتخاب اعضای پانل از طریق نمونه‌گیری غیرتصادفی صورت می‌گیرد. یکی از روش‌های استفاده شده در این زمینه نمونه‌گیری گلوله برفی است. در صورتی که پژوهشگر خود تمام افراد مناسب برای عضویت در پانل را شناسد، می‌توان از روش نمونه‌گیری زنجیره‌ای نیز استفاده نمود. در مرحله دوم با توجه به سن، جنسیت و تحصیلات دانشجویان دانشگاه‌های شیراز، روش نمونه‌گیری از نوع تصادفی طبقه‌ای انتخاب شد.

۷- بررسی و انتخاب متغیرها و شاخصه‌های تحقیق

پس از تدوین و استخراج شاخص‌ها در مرحله اول تحقیق و انتخاب و اولویت‌بندی شاخص‌ها در مرحله دوم تحقیق، در مرحله سوم دلفی مولفه‌هایی که از مبانی نظری شناسایی شدند و نیز مولفه‌هایی که خبرگان پیشنهاد دادند، مورد بررسی قرار گرفت و مؤلفه‌هایی که میانگین پایین داشتند، حذف گردید. در مرحله سوم از خبرگان خواسته شد تا با اختصاص نمره در قالب طیف لیکرت موافقت یا مخالفت خود را با هر یک از مولفه‌ها اعلام نمایند. و نیز در مرحله دوم اولویت هر گویه را با اختصاص مهمترین عامل رتبه ۱ و آخرین عامل به ترتیب اعداد بالاتر مشخص نمایند. خلاصه داده‌ها و نتایج در جدول ۳ آورده شده است.

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و هشتم، پاییز ۱۳۹۸ ———
جدول ۳: اولویت‌بندی نهایی مؤلفه‌های سیاست‌گذاری فرهنگی مبتنی بر ساختار سیاسی

ایران

میزان موافقت					عدد کندال	میانگین ^۱	گویه‌های مرتبط	عوامل مؤثر	اولویت
خیلی کم (۱)	کم (۲)	متوسط (۳)	زیاد (۴)	خیلی زیاد (۵)					
۰	۰	۰	۰	۱	۲	۱/۶۰	افزایش نیروهای انتظامی	سیاست‌گذاری هدف‌گرا	۱
۰	۰	۰	۰	۱	۵	۴/۳	افزایش اقدامات تأمینی		۲
۰	۰	۰	۰	۱	۷	۱/۶۰	سیاست‌های سازمانی	سیاست‌گذاری بر مبتهی مشکلات و معضلات فرهنگی	۱
۰	۰	۰	۰	۱	۶	۱/۲۷	سیاست‌های شهروندمداری		۲
۰	۰	۰	۰	۱	۲	۱/۱۳	سیاست‌گذاری جهان‌شناسی و قیاسی		۳
۰	۰	۰	۰	۱	۵	۱/۸۷	سیاست‌های اقتصادی	سیاست‌گذاری آینده‌پژوهانه	۱
۰	۰	۰	۰	۱	۳	۱/۴۷	سیاست‌های اجتماعی		۲

۷-۱- ساختار پرسش‌نامه و پایایی پرسش‌نامه‌ها

جدول ۴: محاسبه آلفای کرونباخ برای متغیرها و ابعاد تحقیق

متغیر	کد	بعد	تعداد سوالات	الفای کرون باخ (بررسی)

۱. میانگین امتیاز از طریق تقسیم امتیاز کسب شده تقسیم بر ۱۵ (تعداد خبرگان) محاسبه گردید.

نقش ساختار سیاسی ایران در سیاست‌گذاری فرهنگی در کتب جامعه‌شناسی ۵

پایایی پرسش نامه				
۰,۷۱۴	۹ سوال	سه مؤلفه (قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضاییه)	S	ساختار سیاسی ایران
۰,۷۵۴	۴ سوال	دو بعد (افزایش نیروهای انتظامی و افزایش اقدامات تأمینی)	T	سیاست‌گذاری اهداف فرهنگی
۰,۸۱۱	۸ سوال	سه بعد (سیاست‌های سازمانی، سیاست‌های شهروندمداری و سیاست‌های جهان‌شناسی و قیاسی)	P	سیاست‌گذاری مبتنی بر مشکلات و معضلات فرهنگی
۰,۷۷۸	۴ سوال	دو بعد (سیاست‌های اقتصادی و سیاست‌های اجتماعی)	F	سیاست‌گذاری در آینده فرهنگی

۷-۲- نتایج فرضیات پژوهش گروه اول

فرضیه اول: ساختارهای سیاسی ایران می‌توانند از طریق سیاست‌گذاری هدف‌گرا اقدام به سیاست‌گذاری فرهنگی نمایند.

$H =$ بین ساختارهای سیاسی ایران و سیاست‌گذاری فرهنگی هدف‌گرا رابطه معناداری

وجود ندارد.

$H_1 =$ بین ساختارهای سیاسی ایران و سیاست‌گذاری فرهنگی هدف‌گرا رابطه معناداری

وجود دارد.

$$\left\{ \begin{array}{l} H : xy = \rho \\ H_1 : xy \neq \rho \end{array} \right.$$

جدول ۵: نتایج حاصل از تحلیل معادلات ساختاری فرضیه اول

(Y) ساختارهای سیاسی ایران			(X) سیاست‌گذاری هدف‌گرا فرهنگی
نتیجه آزمون	=T-VALUE	ضریب مسیر	
تایید شد	۸,۲۳	۰,۵۴	

♦ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و هشتم، پاییز ۱۳۹۸ ———
 در آزمون ضریب تاثیر (مدل یابی معادلات ساختاری) میزان ضریب معناداری (T) برابر با ۸,۲۳ است که بزرگتر از میزان ۱,۹۶ می باشد، پس آماره آزمون در ناحیه H_1 واقع می شود و می توان نتیجه گیری کرد متغیر مستقل (سیاست گذاری فرهنگی هدف گرا) با متغیر وابسته (ساختارهای سیاسی ایران)، رابطه مستقیم و مثبت دارد، میزان مذکور ۰,۵۴ و معنادار است.

فرضیه دوم: ساختارهای سیاسی ایران می توانند از طریق سیاست گذاری جهت رفع مشکلات و معضلات فرهنگی اقدام به سیاست گذاری فرهنگی نمایند.

$H_0 = H_1$: بین ساختارهای سیاسی ایران و سیاست گذاری جهت رفع مشکلات و معضلات فرهنگی رابطه معناداری وجود ندارد.

$H_1 = H_0$: بین ساختارهای سیاسی ایران و سیاست گذاری جهت رفع مشکلات و معضلات فرهنگی رابطه معناداری وجود دارد.

$$\left\{ \begin{array}{l} H_0 : xy = 0\rho \\ H_1 : xy \neq 0\rho \end{array} \right.$$

جدول ۶: نتایج حاصل از تحلیل معادلات ساختاری فرضیه دوم

(Y) ساختارهای سیاسی ایران			(X) سیاست گذاری جهت رفع مشکلات و معضلات فرهنگی
نتیجه آزمون	=T-VALUE ضریب معناداری	ضریب مسیر	
تایید شد	۱۱,۸۲	۰,۴۸	

در آزمون ضریب تاثیر (مدل یابی معادلات ساختاری) میزان ضریب معناداری (T) برابر با ۱۱,۸۲ است که بزرگتر از میزان ۱,۹۶ می باشد، پس آماره آزمون در ناحیه H_1 واقع می شود و می توان نتیجه گیری کرد متغیر مستقل (سیاست گذاری جهت رفع مشکلات و معضلات فرهنگی) با متغیر وابسته (ساختارهای سیاسی ایران)، رابطه مستقیم و مثبت دارد، میزان مذکور ۰,۴۸ و معنادار است.

فرضیه سوم: ساختارهای سیاسی ایران می توانند از طریق سیاست گذاری فرهنگی آینده نگر اقدام به سیاست گذاری فرهنگی نمایند.

$H_0 = H_1$: بین ساختارهای سیاسی ایران و سیاست گذاری فرهنگی آینده نگر رابطه معناداری وجود ندارد.

نقش ساختار سیاسی ایران در سیاست‌گذاری فرهنگی در کتب جامعه‌شناسی $H_1 =$ بین ساختارهای سیاسی ایران و سیاست‌گذاری فرهنگی آینده‌نگر رابطه معناداری وجود دارد.

$$\left\{ \begin{array}{l} H_0 : \rho_{xy} = 0 \\ H_1 : \rho_{xy} \neq 0 \end{array} \right.$$

جدول ۷: نتایج حاصل از تحلیل معادلات ساختاری فرضیه سوم

(Y) ساختارهای سیاسی ایران			(X) سیاست‌گذاری فرهنگی آینده‌نگر
نتیجه آزمون	-VALUE =T ضریب معناداری	ضریب مسیر	
تایید شد	۹,۶۴	۰,۴۹	

در آزمون ضریب تاثیر (مدل‌یابی معادلات ساختاری) میزان ضریب معناداری (T) برابر با ۹,۶۴ است که بزرگتر از میزان ۱,۹۶ می‌باشد، پس آماره آزمون در ناحیه H_1 واقع می‌شود و می‌توان نتیجه‌گیری کرد متغیر مستقل (سیاست‌گذاری فرهنگی آینده‌نگر) با متغیر وابسته (ساختارهای سیاسی ایران)، رابطه مستقیم و مثبت دارد، میزان مذکور ۰,۴۹ و معنادار است.

نتیجه‌گیری

در جمهوری اسلامی ایران با توجه به ماهیت انقلاب اسلامی که عمدتاً فرهنگی است سیاست‌گذاری‌های فرهنگی در چارچوب فرامین اسلام و امام خمینی و در چارچوب قانون اساسی شکل گرفته است ولی در عرصه عمل و ارزیابی با عدم کارایی بسیاری از سیاست‌ها مواجه هستیم.

هدف سیاست‌گذاری فرهنگی بایستی معطوف به فراهم آوردن شرایط مناسب برای شکوفایی استعداد انسان‌ها و اشاعه خلاقیت و نوآوری باشد و طبعاً چنین امری بدون مشارکت مردم امکان‌ناپذیر است و این خود در گرو ارتباط متقابل میان ملت و دولت است دولت زمانی می‌تواند در امور فرهنگی کارآمد باشد که فضای فراهم آورد تا در آن شهروندان احساس قدرت کنند و باید وزن مسئولیت دولت به نفع افزایش نهادهای غیردولتی کاهش یابد، دولت می‌تواند با فراهم آوردن چارچوب حقوقی، سیستم نظارتی و ارزیابی بستر مناسب را برای فعالیت‌های فرهنگی فراهم و از نهادهای مردمی و غیردولتی حمایت کند دولت باید ضمن سیاست‌گذاری‌های هدایت‌کننده و تشویقی در امور فرهنگی میدان را برای اجرای برنامه‌های فرهنگی به نهادهای اجتماعی و فرهنگی جامعه واگذار نماید، نهادهایی مانند خانواده، مدرسه، دانشگاه، حوزه‌های علمیه و انجمن‌های علمی. بایستی بین نهادها و دستگاه‌های متولی سیاست‌گذاری فرهنگی به عنوان یک بخش یک رابطه ارگانیک و تعریف شده وجود داشته باشد و از هرگونه تداخل وظایف و موازی کاری‌ها به جهت اجتناب از هزینه‌های اضافی ممانعت نمود ضمن اینکه بایستی به همکاری‌های بین‌المللی در عرصه سیاست‌گذاری فرهنگی با حفظ اصول و آرمان‌های انقلاب اسلامی به عنوان یک فرصت طلایی نگریست.

در این پژوهش به بررسی موضوع سیاست‌گذاری فرهنگی مبتنی بر ساختار سیاسی ایران پرداخته‌ایم و این موضوع در کتب جامعه‌شناسی (۱، ۲ و ۳) مقطع متوسطه مورد ارزیابی و بررسی قرار گرفته است. در این کتب موضوع سیاست‌گذاری فرهنگی (مخصوصاً در کتاب جامعه‌شناسی (۲) بدین شرح توضیح داده شد که مجموعه سازوکارهایی که در نظام اجتماعی برای اعمال سیاست‌های آن وجود دارد، نظام سیاسی را شکل می‌دهد. ساز و کارهای سیاسی بدون عوامل اجراکننده آن، تحقق پیدا نمی‌کنند. حکومت، مجموعه عواملی هستند که سیاست‌های مربوط به کل جامعه را پیش می‌برند. حکومت از طریق مراحل سه‌گانه زیر، سیاست‌های نظام را اعمال می‌کند: (۱) وضع قوانین؛ (۲) اجرای قوانین و (۳) نظارت بر اجرای قوانین. سه قوه مقننه، مجریه و قضائیه عهده‌دار وظایف سه‌گانه حکومت هستند. با گسترده‌سازی حکومت، این سه قوه نیز از یکدیگر تفکیک پیدا می‌کنند. در یک جهان اجتماعی، نظام سیاسی نمی‌تواند مستقل از نظام‌های اجتماعی دیگر باشد؛ بلکه در تعامل با آن‌ها قرار می‌گیرد. نظام

_____ نقش ساختار سیاسی ایران در سیاست‌گذاری فرهنگی در کتب جامعه‌شناسی ۵

سیاسی، هم بر نظام فرهنگی و اقتصادی اثر می‌گذارد و هم از آن‌ها تأثیر می‌پذیرد. این سه قوه از سه منظر اقدام به سیاست‌گذاری می‌نمایند: سیاست‌گذاری هدف‌گرا، سیاست‌گذاری مبتنی بر مشکلات و معضلات و نیز سیاست‌گذاری آینده‌نگر. بر این اساس، سئوالات و گویه‌های متعددی در قالب پرسش‌نامه تهیه گردید و در اختیار ۸۰ نفر از افراد جامعه آماری قرار گرفت که شامل دبیران آموزش و پرورش (کارشناسی و کارشناسی ارشد) و دانشجویان رشته جامعه‌شناسی (مقاطع دکتری، کارشناسی ارشد و کارشناسی) قرار گرفت و زیرمؤلفه‌های مختلفی مانند افزایش نیروهای انتظامی و اقدامات تأمینی، سیاست‌های سازمانی، شهروندمداری و جهان‌شناسی و قیاسی و نیز سیاست‌گذاری اقتصادی و اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است.

بررسی‌های آماری نشان داد که به ترتیب قوای مقننه، مجریه و قضاییه در سیاست‌گذاری فرهنگی نقش ایفا می‌نمایند. در بین روش‌های سیاست‌گذاری فرهنگی، سیاست‌گذاری اهداف فرهنگی (سیاست‌گذاری هدف‌گرا) دارای بیشترین رتبه بوده و پس از آن، سیاست‌گذاری جهت رفع مشکلات و معضلات فرهنگی و در نهایت سیاست‌گذاری در آینده فرهنگی تأثیرگذارند. در روش سیاست‌گذاری اهداف فرهنگی، به ترتیب افزایش اقدامات تأمینی و افزایش نیروهای انتظامی تأثیرگذارند. در روش سیاست‌گذاری جهت رفع مشکلات و معضلات فرهنگی، به ترتیب زیرمؤلفه‌های سیاست‌گذاری سازمانی، شهروندمداری و جهان‌شناسی و قیاسی تأثیرگذارند. در روش سیاست‌گذاری در آینده فرهنگی نیز زیرمؤلفه‌های تأثیرگذار به ترتیب عبارتند از: سیاست‌های اجتماعی و سیاست‌های اقتصادی.

آزمون مدل معادلات ساختاری فرضیات تحقیق در حالت تخمین استاندارد و ضرایب معناداری رابطه معناداری و مثبت تمامی زیرمؤلفه‌ها با مؤلفه‌های مرتبط و ساختار سیاسی ایران اثبات گردید.

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و هشتم، پاییز ۱۳۹۸ ———

منابع

- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۹۴). **سخنرانی درباره آسیب‌های فرهنگی**، همایش ملی دانشجویی جامعه-شناسی توسعه، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- آل غفور، سیدمحمدتقی (۱۳۷۵). **نقش فرهنگ در ساختار سیاسی ایران معاصر**، مجله نقد و نظر، شماره ۷ و ۸.
- احمدی علی‌آبادی، کاوه (۱۳۸۷). «**نقش و جایگاه برنامه‌های اجتماعی و فرهنگی در توسعه ملی**»، سایت باشگاه اندیشه، به نشانی: www.bashgahandishe.ir
- اشتریان، کیومرث (۱۳۸۶). **سیاست‌گذاری و مهندسی فرهنگی؛ سیاست‌گذاری آرمانگرا، عینیت‌گرا و ذهنیت‌گرا**، پایگاه اطلاع‌رسانی خبرگزاری دانشجویان ایران، قابل دسترس در: isna.ir
- اکبری، احمد و دیگران (۱۳۹۵). **الگوی پیشنهادی نظام‌مند برای سیاست‌گذاری در آموزش و پرورش**، فصلنامه مطالعات مدیریت و حسابداری، دوره ۲، شماره ۳.
- بختیاری، صادق و دیگران (۱۳۹۱). **ضرورت طراحی و استقرار نظام یکپارچه آمارهای حوزه فرهنگ در کشور**، مجله مهندسی فرهنگی، شماره‌های ۶۸ و ۶۷.
- جهانیان، رمضان و محجوبی، ستاره (۱۳۹۰). **سیاست‌های آموزش و پرورش در عصر جهانی شدن**، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره ۱۶.
- خداحسینی، سیدحمید و دیگران (۱۳۹۰). **تبیین جایگاه مدیریت تنوع قومی عامل فراموش شده بهره‌وری در مدیریت کلان فرهنگی کشور**، ماهنامه مهندسی فرهنگی، سال پنجم، شماره‌های ۵۳-۵۴.
- رضایی، علیرضا (۱۳۸۷). **آسیب‌شناسی فرهنگی؛ تبیین مفهومی، نظری و راهبردی**، ماهنامه مهندسی فرهنگی، سال دوم، شماره‌های ۱۸-۱۷.
- ذکایی، سعید، محمد شفیعی، سمیه‌سادات (۱۳۸۹). **کالبد شکافی سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران**، فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره ۲۰.
- شریفی، سیدعلیرضا و فاضلی، عبدالرضا (۱۳۹۱). **واکاوی سیاست‌گذاری فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران (آسیب‌ها و راهبردها)**، مجله مجلس و راهبرد، سال نوزدهم، شماره ۶۹.
- صالحی‌امیری، سیدرضا (۱۳۸۶). **مفاهیم و نظریه‌های فرهنگی**، تهران، انتشارات ققنوس، چاپ سوم.
- طلوعی، عباس و داودی، مرتضی (۱۳۸۸). **شناسایی برنامه‌ها و فعالیت‌های موازی سازمان تبلیغات اسلامی با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و تبیین معایب آن بر مدیریت فرهنگی کشور و ارائه راهکارهای هماهنگ‌سازی**، مجله پژوهش‌نامه، شماره ۳۷.
- لطفی‌نیا، مجتبی (۱۳۹۴). **ساختار سیاسی ایران و تاثیر آن بر روابط سیاسی ایران و**

_____ نقش ساختار سیاسی ایران در سیاست‌گذاری فرهنگی در کتب جامعه‌شناسی ۵

- آمریکا پس از انقلاب، پایگاه اطلاع‌رسانی صدای ایران، قابل دسترس در: sedayiran.com.
- مشبکی، اصغر و خادمی، علی‌اکبر (۱۳۸۷). بررسی آسیب‌شناسانه، سیاست‌ها و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی ایران بعد از انقلاب اسلامی، پژوهش فرهنگی، شماره ۱۴.
- مقتدایی، مرتضی و ازغندی، علیرضا (۱۳۹۵). آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۲، شماره ۳۴.
- نادری، ناهید و دیگران (۱۳۹۵). سیاست‌گذاری در آموزش و پرورش، اصفهان: انتشارات یارمانا، چاپ سوم.
- نیازآذری، کیومرث و دیگران. (۱۳۹۰). سیاست‌گذاری و فرآیند خط‌مشی عمومی در نظام آموزشی، قائم شهر: انتشارات مهرالنبی، چاپ دوم.
- وحید، مجید (۱۳۸۶). بحثی در سیاست‌گذاری فرهنگی، فصلنامه سیاست، دوره ۳۷، شماره ۳.
- همایون، محمدهادی و جعفری، نادر (۱۳۸۷). درآمدی بر مفهوم و روش سیاست‌گذاری فرهنگی، فصلنامه اندیشه مدیریت، سال دوم، شماره ۲.